



Study of the sustainability effects in the book Moonlight and Gunpowder

Esmat Dehghanei

Master of Science in Sustainability Literature Lorestan University, Iran.

Abstract:

The history of Iran's revolutionary fights and eight years of Holy Defense is witness to the presence of sacrificing men and women who stood against transgressors at that period of time. In this research, which has been carried out based on descriptive and analysis approach, it has been tried to review the forms of resistance in the book of Moon and Gunpowder. The memoirs of active women in Lorestan at that particular period of time, mentioned in this book, has been reviewed; their role and forms of their sacrifice has been extracted from the book. And finally it was found out that, active in the demonstrations during revolution, attending back army headquarters, collecting humanitarian aids, helping with martyrs' funerals, making their house as center of revolutionary activities etc..., Lorestanian women played their roles at that historical and sensitive period of time.

Review History:

Received: 24 Oct 2024

Revised: 25 Dec 2024

Accepted: 5 Feb 2025

Available Online: 4 Apr 2025

Keywords:

forms of resistance

women

Lorestan

Moon and Gunpowder and

Holy Defense

How To Cite This Article:

Dehghanei, E. (2025). – Study of the sustainability effects in the book Moonlight and Gunpowder. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(3) 1-9 DOI:**** (In Persian)





بررسی جلوه های پایداری در کتاب مهتاب و باروت

عصمت دهقانی

کارشناسی ارشد ادبیات پایداری، دانشگاه لرستان

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

ارائه آنلاین: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵

کلمات کلیدی:

جلوه های پایداری

زنان

لرستان

مهتاب و باروت

دفاع مقدس

تاریخ مبارزات انقلابی و هشت سال دفاع مقدس کشورمان گواه حضور پر افتخار مردان و زنان ایثارگری است که با فداکاری و از جان گذشتگی در برابر زورگویان و متجاوزان زمان ایستادگی کردند. در این پژوهش که به شیوه تحلیلی و توصیفی انجام شده است بر آن بودیم تا جلوه های پایداری را در کتاب مهتاب و باروت بررسی کنیم. بدین منظور با مطالعه خاطرات بانوان فعال لرستانی در آن برهه از تاریخ کشورمان که در این کتاب آمده است؛ نقش آن ها و جلوه هایی از ایثار و فداکاری شان را در کتاب مهتاب و باروت استخراج کردیم. در نهایت این نتیجه حاصل شد که بانوان لرستانی با شرکت در تظاهرات های دوران انقلاب، حضور در ستادهای پشتیبانی جنگ، جمع آوری کمک های مردمی، شرکت در مراسم تشییع شهدا، برپایی کلاس های آموزشی و ... نقش خود را در آن مقاطع حساس تاریخی به خوبی ایفا نموده اند.



برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Dehghanei, E.. (2025). – Study of the sustainability effects in the book Moonlight and Gunpowder. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(6) 9 DOI:**** (In Persian)



مقدمه

اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید آمرزش و رحمت خدا بهتر از هر چیزی برایتان خواهد بود.» از همان نخستین روزهای خلقت بشر خیر و شر، نیکی و بدی، حق و باطل رو در روی هم قرار گرفته‌اند، همین مسئله باعث ایجاد فرهنگ پایداری و مقاومت شده است. هم‌چنان که در تمام عرصه‌های زندگی، زن در کنار مرد و مکمل اوست، در جنگ نیز نقش بسزایی دارد و گاه حتی دوشادوش مردان می‌رزمند و به همین نسبت در ادبیات پایداری جهان وجود او نیز بازتاب یافته است. در بررسی جلوه‌های پایداری باید جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و روانی مقاومت را در نظر گرفت.

بنای این پژوهش بر بررسی جلوه‌های پایداری زنان لرستان در دوران انقلاب و دفاع مقدس گذاشته شده است و طی آن کتاب «مہتاب و باروت» اثر نویسنده لرستانی «سیده طاهره موسوی علوی» که اولین کتابی است که به شکل گسترده در حوزه دفاع مقدس با محوریت نقش زنان فعال لرستان در دروران انقلاب و دفاع مقدس نوشته شده است، پرداخته شده است.

با توجه به اینکه تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه بررسی جلوه‌های پایداری در کتاب «مہتاب و باروت» صورت نگرفته است انجام این پژوهش می‌تواند نظرات دقیقی را در مورد جنبه‌های پایداری زنان در حوزه انقلاب و دفاع مقدس ارائه دهد و باعث آشنایی جوانان با شیوه‌های مختلف همکاری زنان در جنگ شود.

۱- معرفی کتاب مہتاب و باروت

کتاب «مہتاب و باروت» روایت‌گر خاطراتی از بانوان فعال در روزهای پرتلاطم تظاهرات انقلابی و دوران جنگ تحمیلی است که «سیده طاهره موسوی علوی» با هدف به تصویر کشیدن فداکاری‌ها و ایثارگری‌های این بانوان فداکار، آن را گردآوری و تدوین کرده است. کتاب «مہتاب و باروت» ۴۰۰ صفحه است که در سال ۶۹۳۱ آن را با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان لرستان و دانشگاه لرستان به چاپ رسانده است. از ویژگی‌های برجسته این کتاب، استفاده از زبانی داستانی در بیان خاطرات است و مؤلف با ترکیب عناصر داستان با خاطرات، آن‌را به زندگی‌نامه داستانی تبدیل کرده است.

۲- بررسی جلوه‌های پایداری در کتاب «مہتاب و باروت»

اگر چه در پژوهش‌ها بیشتر بر جنبه‌های عاطفی زنان تکیه شده است، در طول تاریخ زنان با حضور خود در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نشان دادند که هر جا که نیاز باشد دوشادوش مردان تاریخ را می‌سازند. مؤلفه‌ها و جلوه‌های پایداری در کتاب «مہتاب و باروت» که از خاطرات زنان ایثارگر لرستانی استخراج شده است:

۱-۲- درگیری با مأمورین ساواک

در سال‌هایی که رو شنگری‌های امام خمینی (ره) باعث شده بود پایه‌های رژیم پهلوی سست و لغزان شوند، سایه اختناق بر سر مردم سنگینی میکرد و حق برگزاری آزادانه مجالس عزاداری را نداشتند و هنگام برپایی مجالس مذهبی هر لحظه ممکن بود نیروهای ساواکی سر برسند و به آزار و اذیت مردم بپردازند. بعد از تبعید امام در سال ۴۲، سختگیری‌های ساواک بیشتر شد، هر روز اوضاع فرق می‌کرد و دایره رفت و آمد هواداران امام تنگ‌تر میشد. والیه دیناروند از آن روزها خاطراتی در ذهن دارد: امام تبعید شده بود. سال ۴۲ چند ماهی از تبعید ایشان می‌گذشت، محرم که از راه می‌رسید؛ برای عزاداری سالار شهیدان زن و مرد به مسجد کمالیه می‌رفتیم. نوحه‌خوان دم گرفته بود از مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش می‌گفت، از اسارت و تبعید حضرت زینب (ع) می‌گفت، وقتش رسیده بود که شعارهای ضد رژیم هم بدهد، حال و هوایش فراهم بود. بالاخره یخ مجلس آب شد و وسط نوحه شعار درود برخمینی مجلس را به وجد آورد، هنوز جواب شعار تمام نشده بود که پاسبان‌ها چماق به دست، ریختند

به صحن مسجد از هر طرفی جوان‌های مردم را می‌گرفتند زیر کتک و ضرب و شتم و چوب و چماق. ما هم بالای سر آن‌ها هرچه قدر داد می‌زدیم فایده نداشت، بالاخره دست به کار شدیم. لنگه کفش‌های زنانه سلاح بدی نبود. در این موقعیت سر پاسبان‌ها را نشانه می‌رفتیم و میدیدیم باران کفشی در مسجد به راه افتاد. یکی از پاسبان‌ها دست جوانی را چرخانده بود به پشت و گره زده بود به هم، می‌خواست با چوب روی سرش بکوبد که با کفش سر پاسبان را نشانه رفتم، سرش زخمی شد پاسبان دستش را روی زخم گذاشت و بالای سرش را نگاه کرد نگاهش به صورت‌های زنان عصبانی برخورد و جوان را رها کرد. جوان هم لولید لابه لای جمعیت خودش را گم کرد. پاسبان هم مسجد را ترک کرد و رفت سراغ کارش (موسوی، ۱۳۹۶: ۴)

۲-۲- شرکت در تظاهرات

در دوران مبارزات انقلابی در اکثر شهرهای کشور، مردمی که تاب تحمل ظلم و جور ستم شاهی را نداشتند، با تأسی از فرامین معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در اعتراض به بی‌عدالتی‌ها و بی‌توجهی به ارزش‌های مذهبی، بستر خیابان‌ها را فضای مناسب برای اعتراض به وضع موجود می‌دانستند. زنان آگاه و بصیر به اوضاع زمانه دوشادوش مردان در تظاهرات حاضر می‌شدند و نقش بزرگی در متزلزل نمودن پایه‌های رژیم پهلوی داشتند.

فاطمه دالوند معروف به فاطمه صلواتی در خاطرات خود آورده است: «با اینکه سواد درست و حسابی نداشتم اما پا به پای مردم در تظاهرات علیه شاه شرکت می‌کردم، در شلوغی خیابان‌های خرم آباد مثل تظاهرات کنندگان در ستون‌های منظم در برابر ظلم و ستم گماشته‌های شاه پافشاری می‌کردیم. در درگیری‌های ژاندارمری خودم در صحنه بودم، پر پر شدن مردم و در نهایت پیروزی‌های به دست آمده را از نزدیک می‌دیدم. مردمی را که ریختند در ساختمان ژاندارمری و تمام سلاح‌ها و تفنگ‌های انبار اسلحه را برداشتند و روی تفنگ را به طرف ساواکی‌ها و گاردی‌ها و سایر افراد خود فروخته گماشته گرفتند.» (همان: ۱۶۳)

۳-۲- سردادن شعار بر علیه رژیم پهلوی

در خاطرات ملیحه شهبازی آمده است: کم کم جمعیت چشمگیر شد. قسمتی که زن‌ها بودند سیاهی یکدستی از آدم حلقه شده بود به شعاع میدان. هنوز یکی دوبار بیشتر شعار نگفته بودیم که گاردی‌ها ریختند به دل جمعیت، عین سگ‌های هاری که زنجیر بریده باشند، به هر کس که می‌رسیدند، پاچه‌اش را می‌گرفتند، باتوم و مشت و لگد و هر چه دستشان می‌آمد، می‌کوبیدند روی سرمردم. (همان: ۱۹۷)

۴-۲- تبلیغات علیه رژیم شاه

نقش تبلیغات و اطلاع‌رسانی در زمان جنگ‌ها و تظاهرات کمتر از حضور فیزیکی در میدان نیست، بر همین مبنا در دوران تظاهرات بر علیه رژیم شاهنشاهی، جوانان انقلابی از این نکته مهم غافل نبودند. ششم بهمن سال ۱۳۵۴ بود که شهید عزت الله، همراه دوستانش از جمله آقای مرتضی کشکولی از اول شب تا صبح مشغول چسباندن اعلامیه‌هایی شدند که علیه رژیم شاه تنظیم کرده بودند. متن اعلامیه‌ها در خصوص صرف هزینه‌های هنگفت شاه از بیت‌المال برای جشن‌های شاهنشاهی بود. (همان: ۲۵۱)

۵-۲- استقامت به خاطر حفظ حجاب

فرصت‌طلبان و ستم‌پیشگان تاریخ از زنان به عنوان کالا و ملعبه‌ای برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده کرده و می‌کنند. زمان استعمار رضا شاهی تحت تأثیر فرهنگ منحط پهلوی قانون کشف حجاب به تصویب رسید ولی این قانون ننگین هم نتوانست بر عقیده زنان محجه ایرانی اثرگذار باشد.

طاهره موسوی: کمین می‌کردند، تا دختری چادری پا می‌گذاشت به حیاط مدرسه، ناظم و مدیر عین موذر و ملخ بر سرش می‌ریختند و چنگ می‌انداختند تا چادر را از سرش بکشند. من و خواهرم علویه صدیقه می‌رفتیم به دبیرستان هفده دی که درس بخوانیم. بساطی بود در مدرسه که اشکمان را در می‌آورد. کلافه بودیم. هرروز به بهانه چادر داشتن یا اخراج می‌شدیم یا باید لیچارهای ناظم و مدیر را می‌شنیدیم. ... سر یکی از همین اخراج‌ها بود که پدرم به مدرسه آمد و با مدیر و ناظم در گیر شد و ناظم هم در کمد را باز کرد و پرونده ما را از لای پوشه‌ها در آورد و دستان داد. رفتیم شاید در مدرسه دیگری راهمان بدهند و سر کلاس بنشینیم. (همان: ۲۲۹)

۶-۲- فعالیت‌های بعد از انقلاب

با پیروزی انقلاب انگیزه برای کمک به این نهال نو پا در بین انقلابیون موج می‌زد و هر کس هر کاری از دستش بر می‌آمد برای پیشرفت اوضاع کشور انجام می‌داد. «انقلاب پیروز شده بود، تازه محرومیت‌ها داشت خودش را نشان می‌داد گوشه گوشه مملکت نیاز به کمک داشت، قاسم و برادرانش رفته بودند به جهاد سازندگی، جهاد هم آن‌ها را به روستاهای دور دست می‌فرستاد. خاتون، دختر بزرگ حاجیه والیه دوشادوش برادرانش، بخصوص رسول کار می‌کرد و با آقای مهندس ترکان رئیس وقت جهاد استان مشغول رفع محرومیت‌ها بودند (همان: ۵۸) .

۷-۲- محبت مادری

در دوران دفاع مقدس خانه‌های برخی از اسوه‌های صبر و مقاومت گه گاهی مأوا و محل استراحت رزمندگانی می‌شد که پس از روزها و ماه‌ها دوری از شهر و دیار خود به مرخصی می‌آمدند و مورد لطف و محبت مادران قدرشناسی قرار می‌گرفتند که حاضر بودند تمام هستی‌شان را فدای انقلاب کنند. خانه که نمی‌شد گفت، بلکه مقری بود برای رزمنده‌ها، دوستان قاسم و رسول، از جبهه که می‌آمدند، یکرست در خانه حاجیه والیه اتراق می‌کردند. خرم‌آبادی و شهرستانی هم نداشت. همه این خانه را خانه خودشان می‌دانستند. مهمان‌ها هنوز از راه نرسیده بودند که بساط پذیرایی به راه بود. (همان: ۷۱) مهر مادری که در کار باشد فرقی ندارد برای زنانی که اسوه صبر و پایداری هستند؛ فرزند خودشان نیاز به محبت و رسیدگی دارد یا فرزند هرکس دیگر.

۸-۲- پرستاری از مجروح جنگی

در جنگ‌ها همواره عده‌ای از نیروهایی که در آن جنگ شرکت کرده‌اند در اثر درگیری مجروح می‌شوند و چه بسا در اثر همان مجروحیت جان خود را از دست می‌دهند. در دوران جنگ تحمیلی زنانی بوده‌اند که دلسوزانه و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی با تمام وجود به وضعیت مجروحین رسیدگی می‌کردند و تا زمان بهبودی کامل پرستاری از این اشخاص را بر عهده داشتند و این‌گونه جلوه‌ای از پایداری را به نمایش می‌گذاشتند. مصطفی ساکی از بچه‌های رزمنده و دوست اصغر بود. در جبهه پایش قطع شده بود. پس از بهبودی نسبی، جسد نیمه جانش را به خیابان آورده بودند و دم در خانه‌شان پیاده‌اش کردند، غافل از اینکه خانواده به علت بمباران از شهر فرار کرده و پناه برده بودند به روستا. والیه خانم از شنیدن این خبر که مجروح جنگی را در خیابان گذاشته و رفته‌اند به شدت ناراحت شد و مجروح را به خانه آورد، رزمنده تحت مراقبت این مادر مهربان قرار گرفت. هر شب نیز قاسم پسر بزرگ والیه خانم رزمنده را برای عوض کردن پانسمان به بیمارستان می‌برد. (همان: ۷۶) پرستاری عشقی می‌خواهد توأم با استقامت که اگر نبود این عشق، رسیدگی به مجروحین جنگی کاری بس طاقت‌فرسا بود.

۹- ۲- فعالیت در ستاد پشتیبانی جنگ

ستادهای پشتیبانی دوران جنگ که رفع نیازهای رزمندگان خطوط مقدم را بر عهده داشتند؛ عمده نیروهایشان را زنان متدین و مبارز تشکیل می دادند. این فرشتگان با تهیه مواد غذایی، بافت لباس و دوختن لباس های رزمندگان حمایت خود را از برادرانشان در میادین جنگ به این شکل نشان می دادند.

یکی از زنان لرستانی که در ستاد پشتیبانی جنگ حضور چشمگیری داشت زرین تاج میردریگوند بود. از جمله در تهیه غذا برای رزمندگان با خواهران در ایستگاه های صلواتی همکاری داشته است، هنگامی که رزمندگان عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل می شدند، ایشان یکی از زنان فعال در بدرقه آنها بود. زمانی که اجساد شهدای زن را به غسالخانه خرم آباد انتقال می دادند، یکی از فعالان در آنجا حاجیه زرین تاج میردریگوند بود. وی در این زمینه می گوید: صحنه های دلخراش فراوانی دیدم از جنازه های شهدا که در غسالخانه روی هم می ریخت، بعضی از جنازه ها لت و پار می شد و وا می رفت؛ حتی جمع نمی شد که غسلشان دهیم بلکه آنها را تیمم می دادیم (همان: ۱۲۸)

۱۰- ۲- پخت نان برای رزمندگان

در دوران دفاع مقدس شرایط سخت مناطق جنگی، تهیه مایحتاج رزمندگان را با مشکل مواجهه می کرد به نحوی که گاه تکه ای نان خشک، خوراکی چند روز رزمندگان در آن شرایط سخت بود؛ ولی بانوان ایثارگری نیز بوده اند که کمر همت می بستند و با پخت نان و ارسال برای رزمندگان این نیاز آنها را در مقطعی برآورده می کردند.

از جمله فعالیت های زرین تاج میردریگوند در دوران جنگ تحمیلی، پخت نان برای رزمندگان بود. «ساعت های زیادی روی زانو می نشست بغل آتش و نان درست می کرد. هرم آتش که به صورتش می رسید؛ سرخ میشد. گرما به تنش مینشست و عرق میکرد تا لقمه ای نان برسد به دست رزمنده هایی که ساعت ها زیر آتش با جیره خشک سر میکردند و قمعمه های خالی را با حسرت نگاه می کردند. (همان: ۱۳۰) «خودم از همان روزهای اول آرام و قرار نداشتم، شده بودم عین اسپند روی آتش. با خانم معماری همکار شدم، هر کاری از دستم بر می آمد کوتاهی نمی کردم. از تهیه غذا و مربا و ترشی جات گرفته تا بسته های حبوبات و مواد غذایی و پسته و آجیل و میوه تا شستن پتو. (همان: ۱۷۶) کسای کلون در را کشید، در نیمه باز بود که با فشار کسی که در می زد کامل باز شد. حجت الاسلام سید فخرالدین رحیمی داخل راهرو آمد و در را پشت سرش بست و نفس راحتی کشید. کفش هایش را بغل کرده بود و کلی دویده بود. نفس نفس می زد بدون اینکه حرفی بزند، زرین تاج و کسای شستشان خبردار شد که ساواک، سید را دنبال کرده. (همان: ۹۹)

۱۱- ۲- کمک های نقدی به جبهه

در هر جای دنیا جنگی به وقوع بپیوندد علاوه بر هزینه های جانی، خسارات مالی فراوانی را بر جای می گذارد به نحوی که دولت ها از جبران تمامی آن خسارات ناتوان هستند. در این شرایط مردم هستند که به میدان می آیند و با ارسال کمک های نقدی برای نیروهای خود، حمایت خود را از آنها اعلام می کنند.

در کتاب "مهتاب و باروت" نویسنده می گوید: «حاجیه گلی کلانی مطلق (دلارام) که در آن زمان به "ام الشهدا" معروف بود، شب و روزش را صرف خدمت به خانواده های شهدا و رزمندگان می کرد و هرگز از ملامت و سرزنش بعضی افراد ناراحت نمی شد. هیچ وقت از این راه و روشش عقب نشینی نکرد. از کمک های نقدی و غیرنقدی به جبهه ها مضایقه نمی کرد. تنها سرمایه اش، یک جفت گوشواره سنگین قدیمی و بسیار زیبا بود که همراه دکمه های طلایی که از جلیقه اش کنده بود،

همه را آورد و به مسجد محل تحویل داد که تقدیم به رزمندگان شود. از رختخواب، فرش، گلیم و پتو هر چه در خانه داشت؛ همه را بر روی وانت باری انبار کرد و برای جبهه فرستاد. (همان: ۱۴۵) زهرا فرهودی در خاطرات خود آورده است: «در دبیرستان فاطمه الزهرا (ع) مشغول تدریس و مدیریت بودم. چند روزی که از آتشباران جنگ گذشت حق مدیریت و فوق العاده شغل به مدیران مدارس تعلق گرفت، به محض شنیدن این خبر و خواندن بخشنامه‌اش به آموزش و پرورش رفتم و صحبت کردم که این دو بندی که به فیش حقوقی من اضافه شده هر ماه از حقوقم کسر و به حساب رزمندگان و جبهه‌ها بفرستند (همان: ۱۸۹).

۱۲-۲- تهیه مایحتاج رزمندگان

سیده طاهره موسوی در خاطرات خود آورده است: «حاجیه ماه دولت کاییدی مثل بقیه زن‌های فعال از پا ننشست و آستین بالا زد تا در پشت جبهه، برای خورد و خوراک و دوخت و دوز لباس گرم و دستکش و کلاه و شال رزمنده‌ها دست به کار شود. تهیه بسته‌های جیره خشک و مواد غذایی از این دست، از دیگر کارهایی بود که حاجیه دولت انجام می‌داد. (همان: ۲۰۲)

۱۳-۲- شست و شوی پتوهای رزمندگان

«ماه دولت، همیشه در چشمه گلستان به چشم می‌آمد. با چکمه‌های پلاستیکی و لباس‌های خیس، که از بس پتو شسته و پهن کرده بود توی آفتاب، بدنش کرخت بود و سرما را حس نمی‌کرد. حاجیه دولت، بیشتر زن‌های فامیل و در و همسایه را بسیج می‌کرد که به کار رزمنده‌ها برسند. ... ماه دولت از کار شست و شوی پتو و رخت رزمنده‌ها که فارغ می‌شد؛ می‌رفت به کمک مؤسسه فاطمیه (ع) و مسجد قائم (عج) و منزل خانم معماری، این‌ها مراکزی بودند که صفر تا صدشان کارهایشان را زن‌ها انجام می‌دادند. (همان: ۲۰۳)

طاهره موسوی علویه: «در زمان تدریس، سعی می‌کردم از جریان‌های مخفی و مبارزه آگاه باشم. این اخبار و اطلاعات را به طرق مختلف و از افراد و اقشار مختلف، به دست می‌آوردم، حتی زمان تبعید امام خمینی (ره)، اعلامیه‌هایش را از طریق همکاران فرهنگی‌ام، تهیه می‌کردم و به افراد انقلابی می‌رساندم. در کنار بنده، آقای عباسیان همسرم نیز در کوره داغ سیاست حضور داشت و تلاش می‌کرد که از هر فرصتی برای آگاهی‌بخشی و هدایت مردم استفاده کند. (همان: ۲۱۶) یکی از زنان فعال لرستانی در بحبوحه انقلاب و دوران جنگ تحمیلی صغری دانه‌ای بود که در لباس مقدس پرستاری، زینب‌وار نقش خود را به خوبی ایفا نمود.

«سال شصت بود که صغری به خرم‌آباد برگشت. خرم‌آباد هم حال و روزش از مناطق جنگی بهتر نبود. ... کار زخمی و مجروح و جنگ زده‌ها کم بود که مسئولیت مدرسه پرستاری خرم‌آباد را هم به عهده‌اش گذاشتند. اداره کردن این مردم که هر کدام عزیزشان را یا از دست داده بودند یا شاهد پرپر شدن و جان‌کند شدن بودند، کار را سخت کرده بود. مدیریت در زمان جنگ حال و هوای خودش را داشت. شلوغی بیمارستان‌ها، نیاز خط مقدم به اعزام پرستار، تأمین دارو و باند و مواد و نیازهای اولیه، این کارها از کسی ساخته نبود، تنها صغری بود که میدان دیده و ورزیده می‌توانست حوصله داشته باشد و سعه صدر به خرج بدهد و از پس قصه بر بیاید. (همان: ۲۲۹)

۱۴-۲- شرکت در نماز جمعه

نماز سیاسی عبادی جمعه همواره سنگری برای روشنگری و بصیرت‌افزایی مردم الی‌الخصوص جوانان بوده است. هنگامی که اولین نماز جمعه در تهران اقامه می‌گردد تعدادی از جوانان خرم‌آبادی قصد شرکت در نماز جمعه تهران را داشتند. خانم افخمی نیز به همراه برادر بزرگش ثبت نام می‌نماید، آن‌ها با اتوبوس به تهران می‌روند. هنگامی که وارد دانشگاه تهران محل اقامه نماز

جمعه می‌شوند، اولین کاری که بچه‌های خرم‌آباد انجام می‌دهند کندن تمام اعلامیه‌های گروهک‌های کمونیستی و منافقین بر روی دیوارها بود. آن‌ها با خود گفتند: «اول این‌ها را پاره کنیم سپس با خیالی آسوده مشغول نماز شویم. (همان: ۲۴۵)

۱۵- ۲- خدمت در جهاد سازندگی

جهاد سازندگی از جمله ارگان‌های انقلابی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به فرمان امام خمینی (ره) تأسیس شد که علاوه بر کارهای عمرانی در جهت ارتقا سطح زندگی مردم، کارهای آموزشی و فرهنگی را به جدیت با کمک نیروهای انقلابی در سراسر کشور به ویژه در دورترین نقاط این آب و خاک دنبال می‌کرد تا گامی مؤثر در به تحقق رسیدن شعار استقلال و آزادی باشد. در این زمینه نیز زنان متعهد و علاقمند به جمهوری اسلامی ایران از هیچ کمکی دریغ نمی‌کردند. «زمانی که در سال ۱۳۵۸ امام خمینی (ره) دستور تشکیل جهاد سازندگی را می‌دهند، خانم پری افخمی به همراه سه تن از برادرانش از جمله شهید سعید افخمی ثبت نام می‌نمایند. ایشان به مدت ۱۵ ماه در جهاد سازندگی و در دورترین روستاها مشغول به کار فرهنگی و نیز تدریس احکام و آموزش خیاطی می‌گردد.» (همان: ۲۴۵)

۱۶- ۲- ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در بین دانش‌آموزان

بی‌تردید در جهت رویارویی با تبلیغات ضد اسلامی و تهاجمات فرهنگی غرب، زنده نگه داشتن و حفظ و اشاعه فرهنگ شهادت، ضرورتی ارزشمند و انکارناپذیر در جهت هدایت نسل جدید، تعمیق باورها و سالم‌سازی جامعه است. «خانم مریم کشکولی در کنار مدیریت دبیرستان، از فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی نیز غافل نبود. تاسوعا و عاشورا که می‌شد؛ به تن دانش‌آموزان کفن می‌پوشانید و برای عزاداری به هیئت‌های شهر، معرفی می‌کرد. در کنار این، مسئولیت بسیج خواهران کوهدشت را هم تا سال ۶۶ که در کوهدشت ساکن بود، بر عهده داشت.» (همان: ۲۶۴)

جنگ فقط در میدان کارزار خلاصه نمی‌شود و مخصوص مقطع خاصی از تاریخ نیست بلکه همواره خیر و شر، حق و باطل در کنار هم قرار دارند. لذا باید نسل‌های جوان را با فرهنگ مقاومت آشنا کرد.

نتیجه‌گیری

در کتاب «مہتاب و باروت» با نوشتن خاطرات زنان فعال لرستان در دوران دفاع مقدس مؤلفه‌های پایداری و جلوه‌های مقاومت این زنان در دوران انقلاب و دفاع مقدس به تحریر در آمده‌است. بعضی از این مؤلفه‌ها در این خاطرات نمود بیشتری دارد مانند حضور در تظاهرات انقلابی و حضور در ستاد پشتیبانی جنگ و برخی از مؤلفه‌ها نمود کمتری دارند مانند کلاس‌های آموزش نظامی. در این خاطرات که به شیوه داستان روایی نوشته شده‌است، شجاعت، ایثار و فداکاری زنان به گونه‌ای ثبت شده‌است که مخاطب پی به ارزش و جایگاه زنان به عنوان نیمی از جامعه در تمامی مقاطع زندگی می‌برد، خصوص زمانی که دشمن بد طینت چشم به آب و خاک و ارزش‌های ملی و مذهبی کشورمان داشته‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. موسوی، علویه طاهره (۱۳۹۶) مهتاب و باروت، جلد اول خرم آباد، انتشارات پراکنده

منابع:

1. The Holy Quran (n.d.).
2. Mousavi, A. T. (2017). Moonlight and gunpowder (Vol. 1). Parakandeh Publications.